

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۲۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هشتم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۸

آسیب‌شناسی استعجال از نگاه قرآن با تأکید بر عصر غیبت

علیرضا نوبری^۱

محمدعلی ریحانی‌نیا^۲

چکیده

مهدویت، یکی از باورهای اصیل و ریشه‌دار اسلامی و شیعی است. اما این باور در معرض چالش‌ها و آسیب‌هایی قرار دارد، یکی از این چالش‌ها و آسیب‌ها استعجال در ظهور است. این نوشتار استعجال را به عنوان چالشی از چالش‌های دوران غیبت از نگاه قرآن بررسی کرده است. در این بررسی، چیستی، عوامل و زمینه‌ها، چالش‌ها و پیامدها و راهکارهای پیشگیری و درمان استعجال بازنمایی گردید. روش پژوهش کتابخانه‌ای همراه با تحلیل محتوایی است. برآیند پژوهش چنان نشان می‌دهد که از نگاه قرآن استعجال بر اثر عواملی چند به وقوع می‌پیوندد و در نهایت نیز منجر به شکل‌گیری چالش‌های شخصیتی و اجتماعی خواهد شد. با تحلیل داده‌های قرآن و روایات ناظر به موضوع دو دسته زمینه شکل‌گیری بازشناسی شد. که هر کدام نیز دارای روش‌های درمان متفاوتی هستند. راهکارهای پیش‌گیرانه و در مواقعی درمان محور در استعجال خودبنیاد در دو نوع تقابل نرم و تقابل سخت مورد بررسی قرار گرفته است و راهکارهای درمان استعجال جاهلانه در ذیل عناوینی مانند: بهره‌گیری از صبر و استقامت، استعانت از خدا، برقراری

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (a.nobari@ut.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی (reyhani_nia@yahoo.com).

ارتباط قلبی با امام منتظر و ایمان به وعده‌های الهی درباره ظهور تبیین شده است.

واژگان کلیدی

آسیب‌شناسی، استعجال، استعجال در ظهور، استعجال خودبنیاد، استعجال جاهلانه.

مقدمه

مهدویت، یکی از باورهای اصیل و ریشه‌دار اسلامی و شیعی است. و ظهور منجی در آخرالزمان، اعتقاد همه ادیان آسمانی و آزادی خواهان جهان است. (امامی کاشانی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۱۳) و برپایی حکومت جهانی مستضعفان و صالحان، وعده قرآن کریم می‌باشد. (قصص: ۵؛ انبیاء: ۱۰۵) و این آرمان بلند هم چنان که مورد توجه و گفتگوی اندیشمندان جهان است، محل چالش‌ها و تحلیل‌های گوناگون و در مواردی دارای آسیب‌هایی نیز هست. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و آسیب‌های اندیشه مهدویت، استعجال در ظهور است. استعجال که بیان‌گر شتاب‌خواهی بدون فراهم ساختن شرایط و مقدمات آن است واژه‌ای قرآنی است. این کلمه و هم‌خانواده‌های آن در قرآن در موضوعات مختلفی به کار رفته است اما در این پژوهش، آسیب‌شناسی استعجال از منظر قرآن با تأکید بر استعجال در ظهور صورت می‌گیرد به گونه‌ای که پس از بررسی چیستی استعجال، عوامل و زمینه‌های استعجال از منظر قرآن مورد بررسی قرار خواهد گرفت، در ادامه نیز چالش‌ها و پیامدهای استعجال از منظر قرآن کریم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد به گونه‌ای که برآیند آن به دست دادن راهکارهای قرآن و روایات در پیشگیری و درمان استعجال باشد. در این موضوع تحقیقات قابل توجهی صورت نگرفته تنها می‌توان به مقاله آثار و نتایج شتاب‌زدگی در مسؤلیت‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن و روایات اشاره نمود. (علیزاده، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۳۷)

چیستی استعجال

استعجال از واژه «عجل» گرفته شده است. راغب اصفهانی در تبیین واژه عجله می‌گوید: هر چیزی را که آدمی پیش از وقت و فصل خودش طلب کند، بر آن عجله صدق می‌کند و ریشه این صفت نکوهیده در قوه شهویه انسانی است. از این رو، اغلب مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است. (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۵۴۸)

و صاحب التحقیق در مورد کاربرد این ماده در قرآن می‌گوید:

این صفت مذموم است، اگرچه در اموری مطلوب و نیکو است. (مصطفوی، بی‌تا:

ج ۴۲، ۸)

استعجال مصدر باب استفعال است که معنای غالبی آن طلب است بنابراین استعجال به معنای طلب تعجیل است.

دانشمندان اسلامی استعجال را در اصطلاح به معنی عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ۴۲۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۱، ۳۰۰) علامه طباطبایی در بیانی دیگر استعجال را این‌گونه تعریف نموده: استعجال به معنای این است که از دیگری بخواهی عجله کند، و او را بر انجام خواسته‌ات تحریک کنی. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۳۸۹، ۱۸) بنابراین استعجال می‌تواند یک امر اجتماعی باشد و ناظر به جریان‌سازی در این حوزه رفتاری در نظر گرفته شود. نکته مهم در این مفهوم آن است که امکان شکل‌گیری چنین معنایی از دو طریق ممکن است یکی استفاده از باب استفعال و دیگری استفاده از قالب امری ماده عجله و دیگر قالب‌های بیانی. البته این دقت نیز وجود دارد که می‌توان تفاوت این دو معنا را در این دانست که طلبی که از باب مذکور فهمیده می‌شود طلب به طور صریح نیست بلکه به طور ضمنی و همراه با برنامه‌ریزی است که می‌تواند با اهداف اجتماعی همراه باشد ولی طلب در قالب امری چنین کارکردی را ندارد. در جمع‌بندی معنای عَجَل باید گفت: با توجه به گستره استعمال این واژه در قرآن و این که معنای اساسی آن مطلق سرعت‌گرایی است از این واژه برای بیان یکی از غرایز انسانی استفاده شده است. از آن جا که ویژگی هر غریزه‌ای در انسان اطلاق محوری و روند صفر تا صدی آن ویژگی است این واژه را دارای یک میدان معنایی کرده است که مفاهیمی مانند صبر، سرعت، بقاء، طمأنینه، سکون و سبقت را در برمی‌گیرد. استعمال عرفی این واژه در باب مذکور معنای منفی و مثبت را در برمی‌گیرد ولی در استعمال قرآنی آن که با دقتی بالا صورت گرفته فقط به جنبه منفی اختصاص یافته است و واژگان دیگر جنبه مثبت اقدام انسان را بیان می‌کند.

۴۹

با توجه به معنای به دست آمده در تبیین مفهومی استعجال و با توجه به متعلق آن بنا بر دیدگاه برخی می‌توان گفت استعجال در ظهور، بر دو قسم قابل تصور است: مذموم و ممدوح. استعجال مذموم: آن است که انسان خواستار انجام گرفتن چیزی پیش از رسیدن وقت و بدون شکل‌گیری مقدمات آن باشد، که از جهت عقل و نقل زشت و ناپسند است. استعجال ممدوح:

آن است که شخص در اولین فرصت ممکن، تحقق یافتن امری را از دیگری بخواهد. (موسوی اصفهانی، ۱۴۲۸ق: ج: ۱، ۳۸۲) در واقع جنبه مثبت آن تنها قبح فعلی دارد ولی جنبه منفی آن علاوه بر آن، قبح فاعلی نیز دارد. با تأمل در این تقسیم می توان گفت استعجال مذموم نیز بر دو گونه است گونه ای خودبنیاد و هدفمند و غرض ورزانه و گونه ای برآمده از جهل و عدم آگاهی. استعجال مذموم خودبنیاد می تواند با اهداف خاص اجتماعی هدف گذاری شود و این توان را نیز دارد که در اجتماع دینی جریان ساز گردد.

بازتاب استعجال در قرآن

در آیات زیادی از قرآن واژگان هم خانواده استعجال و آن چه مفهوم استعجال از آن برداشت می شود به کار رفته، که در يك دسته بندی کلی عبارتند از: آیات نهی کننده از استعجال (نحل: ۱؛ انبیاء: ۳۷؛ احقاف: ۳۵؛ ذاریات: ۵۹)، آیات ناظر به عوامل و زمینه های استعجال؛ استعجال خودبنیاد (شوری: ۱۸؛ حج: ۴۷؛ عنکبوت: ۵۳-۵۴؛ رعد: ۶؛ یونس: ۵۰-۵۱) و استعجال جاهلانه (بقره: ۲۱۴؛ کهف: ۶۶-۶۸؛ انعام: ۵۷-۵۸؛ معارج: ۱؛ انسان: ۲۷)، آیات ناظر به چالش ها و پیامدهای استعجال (کهف: ۷۰-۷۷؛ ذاریات: ۱۴؛ اعراف: ۱۵۰؛ انبیاء: ۸۷؛ نمل: ۴۶؛ احقاف: ۲۴؛ شعراء: ۲۰۴؛ صافات: ۱۷۶؛ یونس: ۱۱)، آیات ناظر به راهکارهای پیشگیرانه و درمان محور استعجال (احقاف: ۳۵؛ قلم: ۴۸؛ فصلت: ۳۰؛ جن: ۱۶؛ اعراف: ۱۲۸؛ آل عمران: ۲۰۰)، آیات ناظر به عجله ممدوح (طه: ۸۳-۸۴؛ بقره: ۲۰۳)

تحلیل و تبیین آیات استعجال

اینک پس از بیان و دسته بندی آیات استعجال، تحلیل دلالت و تبیین مفاد آیات صورت می گیرد.

۱. آیات نهی از استعجال

در آیاتی از قرآن نهی از استعجال صورت گرفته است که به آنها اشاره شد، هم اکنون مورد تحلیل و تبیین قرار می گیرد.

الف) نهی از استعجال در تحقق امر خدا

﴿أَتَىٰ أَمْرًا لَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ...﴾. (نحل: ۱)

کلمه «أتی» هر چند فعل ماضی است و به معنی تحقق این فرمان در گذشته است، اما مفهوم آن آینده‌ای است که قطعاً تحقق می‌یابد. قرآن در موارد زیادی فعل مضارع قطعی الوقوع را با صیغه ماضی ذکر کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۵۲) گرچه مورد آیه، عجله کفار در امر نزول قهر خداوند است، اما جمله «أتی أمر الله» اختصاصی به فرمان قهر الاهی ندارد، بلکه شامل همه فرمان‌های خداوند، هم چون فرمان جهاد، فرمان ظهور امام زمان علیه السلام و فرمان برپایی روز قیامت، می‌شود که نباید در این امور عجله کرد. (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۶، ۳۶۴) و «امر الله» مفهوم عامی است که مصادیق مختلفی را دربر می‌گیرد، مفسران قرآن کریم به برخی مصادیق آن ذیل آیه شریفه اشاره کرده‌اند: عذاب خدا، احکام و فرائض الاهی، روز قیامت. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ۵۳۶-۵۳۷) روایات مراد از «امر» را قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم مصادیق شناسی کرده‌اند چنان‌چه علی بن مهزیار از حضرت صاحب علیه السلام روایت کرده، حضرت فرمودند:

نحن امر الله و جنوده. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۶۹۴)

عن عبد الرحمن بن کثیر، عن أبي عبد الله عليه السلام في هذه الآية قال: هو أمرنا، یعنی: قیام قائمنا آل محمد. أمرنا الله أن لا نستعجل به، فیؤیده إذا أتى ثلاثة جنود: الملائكة، والمؤمنون، و الرعب. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۴۰۳؛ قی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۷، ۱۷۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ۲۲۳)

در این روایت که در تفسیر آیه شریفه بیان شده، امر ظهور از مصادیق آیه دانسته شده و از استعجال در آن منع شده است.

عن أبان بن تغلب عن أبي عبد الله عليه السلام: أن أول من يبایع القائم جبرئیل عليه السلام ... ثم ینادی بصوت رفیع یسمع الخلائق: أتى أمر الله فلا تستعجلوه. (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۵۴؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۶۹۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۴۰۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۳۸؛ قی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۷، ۱۷۶)

این روایت نیز آیه شریفه را بر امر ظهور تطبیق می‌نماید و از استعجال در ظهور نهی می‌کند. و در واقع این آیه را به عنوان شعار و نماد منتظران ظهور معرفی می‌نماید.

ب) نهی از استعجال در آشکار شدن آیات الهی

«خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ». (انبیاء: ۳۷)

برخی مفسران عبارت «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ» را کنایه از زیادتی عجله انسان دانسته‌اند،

آن مقدار که گویی اصلاً آدمی از عجله خلق شده، و غیر از عجله چیزی نمی‌شناسد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۴، ۲۸۸) ولی به نظر می‌رسد این عبارت بیانگر این نکته است که یکی از غرایز انسان شتابگری است. (مراغی، بی‌تا: ج ۱۷، ۳۳؛ حجازی، ۱۴۱۳: ج ۲، ۵۳۱؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۲، ۴۰) این نکته در بحث مفهوم‌شناسی توضیح داده شد. صاحب *تفسیر هدایت* درباره علت عجله انسان می‌گوید:

زمان از عوامل آفرینش انسان و یکی از عناصر اوست. قرآن می‌خواهد به ما بگوید که این طبیعت بشری که زمان جزئی از آن را تشکیل می‌دهد، انسان را به مسئولیت‌ناپذیری دعوت می‌کند زیرا او بنا بر طبیعت خود در لحظه زندگی می‌کند. (مدرسی، ۱۳۷۷: ج ۷، ۲۵۴)

«آیات خدا» مفهومی عام است و مصادیق فراوانی می‌تواند داشته باشد، اگرچه مورد آیه طبق سیاق و برداشت مفسران، عذاب خدا است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۴، ۲۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ۴۰۸؛ قرشی، ۱۳۷۷: ج ۶، ۵۱۱) اما می‌تواند با الغاء خصوصیت بر مصادیق دیگر نیز تطبیق گردد. یکی از مصادیق آیات الهی، امام مهدی علیه السلام است که از نشانه‌های بارز الهی است و آن حضرت نیز برای کافران و مشرکان مایه عذاب و برای مؤمنان مایه رحمت خواهد بود، اما در آشکار شدن این نشانه الهی نباید به رفتارهای مبتنی بر شتابزدگی روی آورد. به عبارت دیگر این اتفاق نیز مبتنی بر مقدماتی است که تا آن مقدمات تحقق خارجی نیافته باشد اتفاق مزبور نیز محقق نمی‌گردد، این روند از سنت‌های الهی در آفرینش است.

ج) نهی از استعجال در عذاب

﴿فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ﴾. (ذاریات: ۵۹)

واژه ذنوب به معنای اسب دم بلند و دلو و سطل با دسته بلند است، و در این آیه به طور استعاری برای بهره و نصیب به کار رفته است. (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۳۳۱) آیه شریفه به ستمکاران هشدار می‌دهد که شما نیز مانند دیگر هم‌سنخان خود بهره‌ای از عذاب دارید بنابراین در فرارسیدن آن استعجال نکنید. و در آیه دیگر نیز خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله یادآور می‌شود که در درخواست عذاب برای کافران عجله نکند. ﴿فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذَابًا﴾. (مریم: ۸۴) از این آیات نیز الغاء خصوصیت می‌شود و آن‌گونه که استعجال در عذاب جایز

نیست و از آن نهی شده، استعجال در امر ظهور نیز جایز نمی باشد. سایر آیات نهی از استعجال و عجله نیز دلالت شان روشن است و در این جا از ذکر آنها خودداری می گردد. از مجموع آیات نهی از استعجال و عجله به دست می آید که این مفهوم در قرآن در گستره ای معنادار مورد نهی واقع شده است مگر موارد خاصی که ذیل عنوان عجله ممدوح قرار می گیرد.

۲. عوامل و زمینه های استعجال

منظور از عوامل اموری است که نقش اصلی و مستقیم در به وجود آمدن حوادث و رخدادها را دارند و زمینه ها امور واسطه ای و غیرمستقیم هستند. در این جا به هر دو نوع از علل استعجال که در بالا مورد تذکر واقع شد اشاره می شود.

الف) عوامل استعجال خودبنیاد

استعجال خودبنیاد یا غرض ورزانه به عواملی اشاره دارد که باعث شکل گیری آن نوع از استعجال است که با اغراض از پیش طراحی شده و با هدف برهم زدن نظم و آرامش اجتماع ایمانی فرایندی تخریب گرانه را به همراه دارد. در واقع این نوع از استعجال مورد نهی در آیات و روایات قرار گرفته است که خود براساس عوامل و انگیزه هایی شکل می گیرد که در ادامه به آنها اشاره می شود:

۱. عدم ایمان

﴿يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا...﴾. (شوری: ۱۸)

آیه شریفه درباره ایمان به روز قیامت است، آنها که به قیامت ایمان ندارند درباره آن درخواست شتاب در وقوعش را دارند تا در صورت عدم شکل گیری، باور اجتماع نسبت به آن دچار تردید گردد. صاحب تفسیر نمونه می گوید:

آنها هرگز به خاطر عشق به قیامت و رسیدن به لقای محبوب، این سخن را نمی گویند، بلکه از روی استهزاء و انکار، چنین تقاضایی دارند، و اگر می دانستند قیامت بر سر آنها چه می آورد هرگز چنین تقاضایی نداشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۰، ۳۹۳)

گرچه مورد آیه قیامت است اما با توجه به آن که علت شتابزدگی، عدم ایمان دانسته شده است مشخص می گردد عدم باور به امور تأثیرگذار می تواند زمینه ای برای شکل گیری جریان مقابل با بهره گیری از حربه شتاب خواهی باشد به گونه ای که جریان غالب را تحت الشعاع خود

قرار دهد و روند هدایتی جامعه را دچار اختلال گردانند. این حربه مقابله، می تواند درباره باور جامعه ایمانی نسبت به آینده روشن و ظهور شخصیت عدالت گستر به کار گرفته شود و از فضای پیش آمده - غیبت طولانی - استفاده کرده و با ایجاد ظهورخواهی استهزاء محور، ریشه چنین باور امیدبخشی را از جامعه بستاند.

۲. استهزاء و انکار

گاهی استعجال از سوی دشمنان با هدف استهزاء و انکار صورت می گیرد. قرآن کریم در این باره می فرماید:

﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾. (حج: ۴۷)

علامه در تفسیر آیه می گوید:

وقتی به مشرکان زمان رسول خدا ﷺ وعده عذاب داده می شد حضرت را تکذیب می کردند و برای سبک و ناچیز نشان دادن آن نسبت به آن شتاب خواهی می کردند و چنین تبلیغ می کردند که چون پیامبر ﷺ نسبت به خواسته آنها توان لازم را ندارد، پس چنین باور تأثیرگذاری واقعیت ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۴، ۳۸۹)

این روش برخورد در مواضع دیگر قرآن نیز گزارش شده است:

﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ... * يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾. (عنکبوت: ۵۳-۵۴)

نویسنده اطمینان می گوید:

از باب سخریه و استهزاء می گویند پس این عذابی که به ما وعده می دادی کو؟ اگر راست می گویی پس چرا عذاب بر ما نازل نمی شود و این کلامی است که کفار به تمام انبیاء گفتند. (طیب، ۱۳۷۸: ج ۱۰، ۳۳۹)

و یکی دیگر از مفسران آورده:

عجله می کنند تو را به نزول عذاب از روی انکار و عناد و استهزاء و تکذیب، مانند نضر بن حارث و امثال او و می گویند «فامطرنا علينا حجارة من السماء». (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ج ۱۰، ۲۵۲)

در آیه دیگری نیز می فرماید:

﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ﴾. (رعد: ۶)

علامه می گوید:

مراد از استعجال شان به سیئه قبل از حسنه این است که ایشان از باب استهزاء و به سخره گرفتن رسول خدا ﷺ، به جای درخواست رحمت و عافیت درخواست عذاب کردند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۱، ۳۰۱)

شاید بتوان تحلیل دیگری نیز برای آیات پیش گفته ارائه داد و آن این که بآیات نخست به معنای معیت و در آیه اخیر برای سببیت باشد و سیئه نیز به معنای رفتار مغایر با دین فطری و نظام علی عالم باشد در این حالت معنایی که از کنار هم گذاشتن دو آیه به دست می آید چنین است: ای پیامبر آنها با رفتارهای مغایر با نظام علی تو را به اقدام زود هنگام فرا می خوانند این در حالی است که چنین اقدامی همراه با عذاب است عذابی که زمان مند است و تا زمان آن نرسد بروز و ظهور نمی یابد گرچه در باطن کار، آن عذاب وجود دارد. در این برداشت استعجال به همان معنای جریان گرایی اجتماعی خواهد بود که براساس رفتار برخی افراد ناآگاه نسبت به روندمداری اتفاقات شکل می گیرد. شیخ طوسی نیز برداشتی نزدیک به تحلیل یاد شده را ذیل آیه بیان کرده است. در این برداشت استعجال به درخواست تعجیل و تعجیل نیز به «تقدیم الشیء قبل وقته الذی یقدر له» معنا شده است و حسنه و سیئه نیز به رفتارهایی هم سنخ و غیر هم سنخ با نفس، «السیئه خصله تسوء النفس و الحسنه خصله تسر النفس» معنا دهی شده است «و قد یعبر بهما عن الطاعة، و المعصية» و معادل معصیت و طاعت دانسته شده اند. (طوسی، بی تا: ج ۶، ۲۲۱) این برداشت با توجه به این که طاعت و معصیت به معنای رفتارهای هم سو با دین فطری و غیرهمسو با این دین است می تواند برداشتی نزدیک به تحلیل بالا باشد.

۳. اعمال مجرمانه

از بررسی آیات استعجال دانسته می شود یکی از عوامل چنین رویکرد جریان ساز اجتماعی، شخصیت مجرمانه افراد است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَنَاكُمْ عَذَابُهُ بَيِّنَاتٌ أَوْ هَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ * أَتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ أَمْنٌمُّ بِهِ الْآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ﴾. (یونس: ۵۰-۵۱)

در تفسیر المیزان آمده:

در این آیه خدای تعالی از دو جهت به توبیخ و مذمت مجرمان پرداخته؛ اول از این جهت که در آمدن عذاب درخواست تعجیل کردند، با این که عذاب اگر بیاید ناگهانی خواهد آمد،

و این برای يك انسان عاقل از حزم و احتیاط به دور است که از چنین عذابی بر حذر نباشد و درآمدن آن، درخواست عجله کند. و توییح از جهت دوم، این است که ایمان آوردن را تاخیر انداخته‌اند برای روزی که دیگر ایمان سودی به حالشان نداشته باشد، و آن روز نزول عذاب است، چون در آن روز، پدیدار شدن نشانه‌های عذاب به طور قطع ناگزیرشان می‌کند به این که ایمان بیاورند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۰، ۷۴-۷۵)

برخی دیگر از مفسران با نقل روایتی از امام باقر علیه السلام گفته‌اند:

منظور از آیه عذابی است که در آخرالزمان بر مسلمانان فاسق از آسمان فرود می‌آید. (قمی، ۱۳۶۷ش: ج ۱، ۳۱۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۳۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ۳۰۶)

در واقع آن چه آیه آن را علت شتاب خواهی معرفی می‌کند ویژگی نهادینه شده جرم‌گرایی این افراد است. جرمی که در آیه می‌تواند محمل شتاب خواهی باشد، جرمی است که ریشه در باور مجرم دارد، باور به این که آن چه بدان تأکید می‌شود توهمی بیش نیست زیرا در غیر این صورت طلب جلو انداختن عذاب دلیل قابل دفاعی ندارد. پس شتاب خواهی در این سطح ناظر به افرادی است که به دنبال جریان سازی جریان‌های مقابل جریان باورهای هدایت‌محور هستند. که در هر زمانی متناسب با باور محوری و تأثیرگذار آن زمان بروز و ظهور می‌یابد.

ب) عوامل استعجال جاهلانه

استعجال جاهلانه ناظر به شتاب خواهی‌های غیر هدفمند و به دور از فضای جریان سازی است بلکه آن چه زمینه آن را فراهم کرده است عدم آگاهی از برخی شرایط تأثیرگذار است.

۱. بی‌اطلاعی از سنت‌های الهی و عدم توجه به فرایندمداری حوادث

از بررسی آیات قرآن چنین برداشت می‌شود حوادث هستی در هر سطح و شاخصه‌ای که باشد مبتنی بر علل و اسباب مقتضی است قرآن این نگره را در جاهای مختلف و با انگیزه‌های متفاوت و در قالب‌های بیانی متنوعی بیان کرده است. یکی از مهم‌ترین واژگان بیان‌کننده این نگرش واژه محوری سنت است. سنت‌های الهی این‌گونه تعریف شده:

خداوند در عالم تکوین و تشریح اصول و قوانینی دارد که همانند قوانین اساسی مرسوم در میان مردم جهان دستخوش دگرگونی و تغییر نمی‌شود، این قوانین هم بر اقوام گذشته حاکم بوده است، و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهد کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ۴۳۵)

علامه طباطبایی نیز در ذیل عباراتی مانند موزون و قدر و دیگر عناوین مرتبط به تبیین این

نوع از فرایند شکل‌گیری حوادث پرداخته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۵۸؛ ج ۷، ۲۹۴؛ ج ۱، ۷۴؛ ج ۳، ۱۴۸؛ ج ۱۲، ۱۴۱) یکی از عوامل استعجال در ظهور این است که فرد نسبت به این که حوادث عالم براساس قانون و روابط منظم علل شکل می‌گیرند و این که ظهور نیز یکی از اتفاقات مبتنی بر علل خاص است آگاهی لازم را ندارد بنابراین برای وقوع آن عجله می‌کند و دیگران را بر آن فرا می‌خواند.

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾
(بقره: ۲۱۴)

این آیه نشان می‌دهد حوادث هستی و هم‌چنین فرایند نصرت الهی مبتنی بر اتفاقات هم‌سنخ است و بدون شکل‌گیری این اتفاقات امکان تحقق نصرت الهی - که یکی از مصادیق آن مسئله ظهور است - وجود ندارد. نویسنده *تفسیر الفرقان* ذیل این آیه شریفه «نصرت مطلق الهی» را مهدی امم و صاحب عصر حجة بن الحسن القائم علیه السلام می‌داند و به برخی شرایط تحقق ظهور اشاره نموده است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۳، ۲۵۸) بنابراین با توجه به این که ظهور از سنت‌های الهی و مصداق «جاء الحق و زهق الباطل» (اسراء: ۸۱) است و با محقق شدن شرایط و زمینه‌هایش انجام می‌شود، باید زمینه نصرت مطلق الهی و فرایند ظهور را فراهم ساخت و از شتاب‌خواهی در ظهور بدون فراهم‌سازی شرایط و مقدمات آن پرهیز نمود. قرآن کریم در آیاتی دیگر نیز در مورد سنت‌های الهی می‌فرماید:

﴿إِنْ يَنْسَئْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوَاهَا بَيْنَ النَّاسِ...﴾
(آل عمران: ۱۴۰-۱۴۲)

این آیات شریفه نیز به برخی از سنت‌های الهی اشاره دارد: فراگیری حوادث تلخ و شیرین نسبت به همگان، امتحان و آزمایش، عدم دوستی خدا با ستمکاران، پاکسازی مؤمنان و نابودی کافران. از تأکید آیه نسبت به وجود چنین سنت‌هایی به دست می‌آید که از لوازم ایمان توجه و آگاهی منتظران ظهور نسبت به فرایندمداری اتفاقات هستی مخصوصاً حوادث تأثیرگذار در اجتماع انسانی است.

برخی از مفسران ذیل این آیات شریفه با ارائه روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله منتظران ظهور را در

دوران غیبت از عزیزترین افراد دانسته و فلسفه غیبت را پاکسازی مؤمنان و نابودی کافران بیان نموده‌اند. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۱، ۳۸۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۳۹۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۳، ۲۳۱-۲۳۲؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق: ج ۳، ۱۶) با توجه به چنین روایاتی که در ذیل آیاتی با این موضوع وارد شده است می‌توان چنین استنباط نمود، موضوع ظهور از مصادیق حوادث پیچیده هستی و نیازمند تلاش فکری مناسب و تلاش برای پاکسازی این باور از آسیب‌های فکری و رفتاری است.

قرآن کریم در آیاتی دیگر موضوع فوق را چنین مورد توجه قرار داده:

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْزُهُمْ أَزًّا * فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذَابًا﴾. (مریم: ۸۳-۸۴)

معنای کلمه «أَزًّا» عبارت است از تکان دادن به شدت، و مراد این است که شیاطین کفار را با شدت به سوی شر و فساد تحریک می‌کنند و به پیروی باطل تشویق نموده و به وسیله تزلزل از استقامت و ثبات بر حق گمراهشان می‌سازند. و اگر در آیه شریفه ارسال شیاطین را به خدا نسبت داده منعی وجود ندارد زیرا از باب مجازات است، چون مشرکان به حق کفر ورزیدند، و خدا هم از باب مجازات شیاطین را فرستاد تا کفر و گمراهی‌شان را زیادتر کنند، شاهد این معنا جمله «عَلَى الْكَافِرِينَ» است، زیرا اگر از باب مجازات نبود، و فرستادن شیاطین به منظور گمراهی ابتدایی آنها بود، می‌فرمود «علیهم» نه این که به جای ضمیر اسم ظاهر «کافرین» را بیاورد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۴، ۱۰۹) البته این امکان نیز وجود دارد که منظور از شیاطین افراد انسانی تحریک‌کننده‌ای باشد که در زمینه باورهای دینی با هدف ایجاد تزلزل در باور، جامعه را به سوی رفتارهای زودتر از موعد تحریک می‌کنند.

بنابراین آیه مورد بحث به سنت اضلال کیفری اشاره دارد، زیرا اضلال ابتدایی بر خدا محال است و خدا هیچ‌یک از آفریدگانش را اضلال ابتدایی نمی‌کند، اما اضلال کیفری از باب مجازات کفار یکی از سنت‌های الهی و قوانین حاکم بر هستی است لذا در این جا خدای تعالی پیامبرش را به این مسئله توجه داده و دستور می‌دهد در درخواست عذاب برای کفار عجله نکند تا زمان آن فرا رسد و سنت‌های الهی اجرا گردد.

۲. ویژگی‌های شخصیتی

با توجه به آیه شریفه ﴿قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ﴾ (اسراء: ۸۴) رفتارهای هر فرد بازتاب

صفات و ویژگی‌های شخصیتی اوست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ۲۴۴) کم‌تحملی که از عوامل شتاب‌خواهی در امور است بیانگر نوعی شخصیت است. قرآن کریم در بیان اتفاقات میان حضرت موسی علیه السلام و خضر علیه السلام این مسئله را چنین بیان نموده است:

﴿قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا * قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا * وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا...﴾. (کهف: ۶۶-۷۷)

علامه در این باره می‌گوید: جمله «قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» خویشتن‌داری و صبر موسی را در برابر آنچه از او می‌بیند با تأکید نفی می‌کند، و می‌گوید:

تو نمی‌توانی آن‌چه را که در طریق تعلیم از من می‌بینی تحمل کنی و دلیل بر این تأکید چند چیز است؛ اول کلمه «إِنَّ»، دوم آوردن کلمه صبر است به صورت نکره در سیاق نفی، چون نکره در سیاق نفی، افاده عمومیت می‌کند، سوم این که گفت: تو استطاعت و توانایی صبر را نداری و نفرمود «نسبت به آن‌چه که تو را تعلیم دهم صبر نداری»، چهارم این که قدرت بر صبر را با نفی سبب قدرت که عبارت است از احاطه و علم به حقیقت و تاویل واقع، نفی می‌کند پس در حقیقت فعل را با نفی یکی از اسبابش نفی کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۳، ۳۴۲)

در ادامه این آیات به استعجال و اعتراض موسی علیه السلام در مقابل اقدامات شگفت‌انگیز خضر علیه السلام اشاره شده است، که بیانگر کم‌تحملی حضرت موسی علیه السلام در برابر آن حوادث می‌باشد.

۳. ضعف ایمان

در مباحث گذشته عدم ایمان به عنوان یکی از عوامل استعجال خودخواسته مورد بررسی قرار گرفت. در این جا نیز ضعف ایمان می‌تواند عاملی برای در افتادن در فتنه شتابگرایی در مسئله ظهور باشد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿... مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ...﴾. (انعام: ۵۷-۵۸)

آن‌چه در این جا مورد استدلال است، جمله «إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ» است. صاحب تفسیر نمونه در معنای این جمله می‌گوید:

این جمله معنی روشنی دارد و آن این‌که: هرگونه فرمان در عالم آفرینش و تکوین و در عالم احکام دینی و تشریح به دست خدا است، بنابراین اگر پیامبر صلی الله علیه و آله مأموریتی پیدا می‌کند آن هم به فرمان او است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۵، ۲۶۵)

صاحب تفسیر مفاتیح الغیب نیز این جمله را مطلق دانسته و آن را شامل همه چیز می‌داند. (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۳، ۹)

از اطلاق آیه چنین به نظر می‌رسد که نادیده گرفتن چنین اطلاقی در جریان‌های هستی می‌تواند فرد را نسبت به اتفاقات مورد انتظار به درخواست بی‌موقع بکشانند. این‌گونه درخواست‌ها در شرایطی ناظر به بی‌ایمانی و در مواقعی بیانگر ضعف ایمان فرد نسبت به این نگرش است که اتفاقات هستی به دنبال دستور الهی تحقق می‌یابد و این نکته استثنایی نیز نخواهد داشت.

مفسران قرآن ذیل آیه شریفه «سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» (معارج: ۱) نیز شأن نزولی را آورده‌اند که استعجال در عذاب به جهت تسلیم نبودن در برابر حکم و اراده خدا را به تصویر می‌کشد مطلبی که بیانگر ضعف ایمان فرد درخواست‌کننده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۵، ۷)

۴. چشم‌داشت به منافع زودرس

یکی دیگر از زمینه‌های شکل‌گیری استعجال این است که انسان منافع آنی و زودرس را می‌طلبد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ يَجْتَبُونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا﴾. (انسان: ۲۷)

صاحب تفسیر المیزان می‌گوید:

مراد از کلمه «عاجله» زندگی نقد دنیا است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲۰، ۱۴۲)

قرآن در آیه دیگر نیز بر دنیا طلبی و چشم‌داشتن انسان به منافع زودرس تأکید می‌کند: «كَلَّا بَلْ تُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ» (قیامت: ۲۰) اما در آیه دیگر نعمت‌های عاجله دنیا را نیز تابع اراده الهی می‌داند: «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ» (إسراء: ۱۸) به نظر می‌رسد چنین روحیه‌ای نتیجه‌غریزه‌نقدگرایانه انسان باشد. چنان‌که دوران ظهور با اتفاقات خاصی توصیف شده است غرایز این‌گونه انسان تحریک شده و به همین علت نسبت به شکل‌گیری آن، اقدامات خارج از انتظار از رفتارهای عالمانه بروز و ظهور می‌یابد.

۳. چالش‌ها و پیامدهای استعجال

استعجال و شتابزدگی، چالش‌ها و پیامدهایی را برای منتظران ظهور به دنبال دارد که لازم است مورد شناسایی قرار گیرد و نسبت به آنها پیشگیری‌های لازم انجام شود.

الف) عدم درك صحیح حقایق، قضاوت‌های زود هنگام و تطبیق‌گری‌های ناروا

یکی از چالش‌های شتابزدگی این است که باعث می‌شود برای انسان درك صحیحی از موقعیت‌ها حاصل نشود و گرفتار قضاوت‌های زود هنگام و تطبیق‌گری‌های ناروا گردد و توان جداسازی حق از باطل را از دست بدهد. قرآن کریم در مواجهه موسی با خضر علیه السلام می‌فرماید:

﴿قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا * فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا...﴾. (کهف: ۷۰-۷۷)

در این جا خضر علیه السلام شرط همراهی با خودش را عدم سؤال و اعتراض ذکر می‌کند، اما همان گونه که پیش‌بینی کرده بود، موسی علیه السلام در مقابل رفتارهای شگفت‌انگیز او دچار قضاوت زود هنگام گردید و بدون در نظر گرفتن همه شرایط ممکن برای شکل‌گیری یک اتفاق و با محاسبات ناقص، اتفاق پیش‌آمده را به قضاوت نشست. نویسنده تفسیر روشن در این باره می‌گوید:

رفاقت با مردِ الهی و صبر و تحمل در مقابل برنامه‌های او، برای کسی که آگاهی ندارد، بسیار کار سختی است، چون کارهای او به حساب واقعیت و صلاح‌بینی واقعی و آینده‌نگری است، اگرچه به صورت ظاهر و براساس محاسبات فعلی نادرست باشد. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۱۳، ۲۸۰)

در آیه شریفه واژه «حتی» دلالت بر زمان‌مندی حوادث پیش‌رو دارد که عدم توجه به آن جامعه را دچار روحیه سطحی‌نگری و دور شدن از توانمندی‌های تحلیل‌گرانه می‌کند. ادامه چنین روندی سبب آن است تا جامعه ایمانی دچار شخصیت سطحی‌نگر و تطبیق‌گرانه غیرمنطقی گردد.

ب) ایجاد فتنه

قرآن کریم شکل‌گیری فضای فتنه‌آلود را نتیجه برهم‌کنش‌های عجولانه و تبدیل آن به شتاب‌خواهی‌های اجتماعی می‌داند و در این مورد می‌فرماید:

﴿ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ﴾. (ذاریات: ۱۴)

«فتنه» در اصل به معنی قرار دادن طلا در کوره است، تا طلای خالص از ناخالص شناخته شود، به همین مناسبت در معنی هرگونه آزمایش و امتحان به کار می‌رود، و به معنای در افتادن انسان در آتش نیز آمده است، و گاه نیز به معنای بلا و عذاب و ناراحتی است. (مکارم

شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۲، ۳۱۸)

تعبیر «کنتم به تستعجلون» دلالت بر استمرار چنین رفتاری در اجتماع دارد. بنابراین درافتادن در فتنه، نتیجه فرایند استعجال اجتماعی است. و هشدار می‌دهد که پیامد فتنه‌های برآمده از رفتار جمعی استعجال‌گرا، بر اجتماع ظاهر می‌گردد. با تأمل در آیه چنین به نظر می‌رسد که آن‌چه مخاطبان آیه به دنبال تحقق آن بوده‌اند درافتادن به فتنه نبوده است ولی فرایند رفتار شتاب‌خواه محور، جامعه را به چنین برآیندی کشانده است. آیه با توجه به کلیت موجود در آن و تعلیق حکم بر چنین وصفی تکرارپذیری آن را ممکن می‌داند، مطلبی که در روایات ظهور نیز مورد تأکید قرار گرفته است و نسبت به پدید آمدن فتنه‌های خطرناک در آخرالزمان هشدار داده است. (ر.ک: ابن حماد، ۱۴۲۳: ۱۰؛ ابن طاووس، ۱۳۹۸: ق: ۱۷)

ج) شکل‌گیری مدعیان دروغین

یکی دیگر از چالش‌های استعجال، به وجود آمدن مدعیان دروغین است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي أَعْجَلْتُمُ أَمْرَ رَبِّكُمْ﴾. (اعراف: ۱۵۰)

از آیه شریفه به دست می‌آید شتابگرایی جمعی و عدم تحلیل مناسب با موضوع، می‌تواند فضای اجتماعی را به سمت شکل‌گیری جریان‌های انحرافی و پذیرش غیرمسئولانه آنها توسط اجتماع سوق دهد. تفسیر نمونه نیز پذیرش چنین انحراف غیرطبیعی را نتیجه شتاب‌خواهی اجتماعی نسبت به مقدرات الهی دانسته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۶، ۳۷۶) آیه دیگر با معرفی فرد اخلاص‌گرو چگونگی بهره‌گیری وی از فضای غیرمسئولانه شتاب‌گرای اجتماعی جامعه یهود به افشاگری می‌پردازد:

﴿قَالَ يَا آدَمُ أَنْتَ أَفْوَاهٌ قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِن بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ...﴾. (طه: ۸۵-۸۸)

یکی از چالش‌های مهم استعجال در ظهور نیز پیدا شدن مدعیان دروغین مهدویت است. و در طول دوران غیبت امام عصر علیه السلام مدعیان فراوانی با بهره‌گیری از به وجود آمدن چنین شخصیت اجتماعی در جامعه ایمانی اقدام به بیراهه کشاندن جریان اصیل مهدویت کرده‌اند.

د) پشیمانی

یکی از پیامدهای استعجال، پشیمانی نسبت به پیامدهای ناشی از آن است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾. (انبیاء: ۸۷)

تفسیر پیامد درافتادن حضرت یونس علیه السلام در فضای غضب‌آلود الهی را نتیجه فرجام‌خواهی زودتر از موعد ایشان دانسته‌اند و به گونه‌ای به تبیین مسئله پرداخته‌اند که نشان می‌دهد هر نتیجه مطلوبی فقط بعد از شکل‌گیری زمان مقتضی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ۴۸۵؛ قرشی، ۱۳۷۷: ج ۶، ۵۴۳)

بنابراین شتاب‌خواهی حضرت یونس علیه السلام منجر به پشیمانی او گردید زیرا این کار او را به پیامد غیرقابل انتظار رفتارش رساند. با توجه به این که این جریان با واژه محوری قدر جریان‌سازی شده است و در مباحث قبل این نکته تذکر داده شد که قرآن از این واژه در بیان نظام‌مندی اتفاقات هستی بهره‌جسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ۱۴۱) مشخص می‌گردد هر اتفاق غیرمسئولانه‌ای که خارج از زمان خود مورد تأکید قرار گیرد، با پیامد متناسب با رفتار شتاب‌گرایی مواجه می‌گردد. این مطلب در آیه دیگر به گونه‌ای منعکس شده است که در هر زمانی شتاب‌خواهی نسبت به برنامه‌های طراحی شده اتفاق بیفتد باید منتظر پیامدهای پشیمان‌کننده بود: ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخْتِ﴾ (قلم: ۴۸) در التبیان در تفسیر آیه آمده:

بر فرمان پروردگارت صبر کن و آنان را تا وقت فرا رسیدن اجل‌شان مهلت ده و در استعجال عذاب آنان مانند یونس نباش که از خدا تقدیم عقاب قومش و هلاکت‌شان را طلب نمود. (طوسی، بی تا: ج ۱۰، ۹۰)

ه) عذاب و هلاکت

از دیگر پیامدهای استعجال و شتابزدگی، عذاب و هلاکت می‌باشد. در چند مورد قرآن استعجال را مصداق طلب‌شر، دانسته است: ﴿وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا﴾ (اسراء: ۱۱) مجمع‌البیان در تفسیر این آیه شریفه سه دیدگاه ذکر کرده:

۱. گاهی که انسان دچار خشم است، درباره خود و بستگان خود دعایی می‌کند که نباید مستجاب شود. زیرا موجب بیچارگی و هلاکت دعاکننده خواهد شد؛

۲. مقصود این است که انسان زمانی برای رسیدن به منفعت زود هنگام، طلب شرمی کند؛
 ۳. یعنی همان طوری که انسان امور مباح را به وسیله دعا مستثنت می‌کند، چیزهای حرام را هم درخواست می‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶: ۶۱۸)

تفاسیر ارائه شده بیان گر آن است که انسان بر اثر عجله و شتابزدگی چیزی را طلب می‌کنند که شر است و موجب هلاکت او است.

قرآن در جای دیگر استعجال‌کنندگان را مورد سرزنش قرار داده و می‌فرماید: «قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ» (نمل: ۴۶) در این جا بنا به تفسیری عذاب «سیئه» خوانده شده است زیرا درد و الم در بردارد و به علاوه عذاب، کیفر سیئه است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۳۵۵) چنان که در جای دیگر فرموده: «أَقْبِعْ عَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ» (شعراء: ۲۰۴؛ صافات: ۱۷۶) علامه می‌گوید: این آیه توبیخ و تهدید است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ۳۲۳) و قرآن کریم در آیه دیگر می‌فرماید: «قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّطْرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ». (احقاف: ۲۴) قوم هود گفتند: این ابر که ظاهر شده است برای ما باران به ارمغان آورده است. هود گفت: آن طور که گمان می‌کنید نیست، بلکه این همان عذابی است که من برای شما وعده می‌کردم و شما در آمدن آن شتاب داشتید... (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ۱۳۷)

این آیات بیان می‌کنند آن چیزی را که شما در آن استعجال می‌کنید، شر و سیئه و عذاب است و هلاکت شما را به دنبال دارد. بنابراین یکی از خطرناک‌ترین پیامدهای استعجال، نزول عذاب و هلاکت و نابودی انسان است. و در موضوع ظهور نیز روایات زیادی، استعجال در ظهور را عامل هلاکت و نابودی دانسته است. (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۶۸-۳۶۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ج ۲، ۳۷۸)

۴. راهکارهای پیشگیری و درمان استعجال

پس از بررسی عوامل، زمینه‌ها، چالش‌ها و پیامدهای استعجال از منظر قرآن کریم، به راهکارهای پیشگیری و درمان استعجال از نگاه قرآن اشاره می‌گردد.

الف) راهکارهای درمان استعجال خود بنیاد (مغرضانه)

۱. تقابل نرم (رشد فرهنگی جامعه)

تلاش جریان‌های انحرافی در مواجهه با افکار تعالی‌جویانه دین در طول تاریخ بر این متمرکز شده است که بتواند با طرح حرکت‌های فکری و رفتاری در مقابل داده‌های هدفمند

دین، جریانی را برنامه‌ریزی کند که افکار عمومی جامعه از پرداختن به خودسازی‌های دام‌محور منحرف گردد. (توبه: ۶۷) در مقابل، آن‌چه از داده‌های دین به دست می‌آید تلاشی است که در راستای تبیین حق‌مداری و واقع‌نگری برای خنثی کردن چنین برنامه انحرافی صورت گرفته است. این برنامه با جامع‌نگری بر این فرایند تأکید دارد که جامعه دینی باید در تلاشی مستمر به خودباوری و توان‌مندی در خودتحلیل‌گری داده‌های دین برسد تا بتواند در مواجهه با القائات جریان مقابل با بصیرت همه‌جانبه‌نگر به سوی خنثی‌سازی آن گام بردارد. قرآن کریم با ترسیم آموزه‌های خود در تمام جنبه‌های فکری و رفتاری سعی بر آن دارد تا سطح جامعه ایمانی را به چنین رشدی نزدیک کند. برای این هدف ضمن معرفی آموزه‌های خود و بیان لوازم هر آموزه به معرفی جریان مخالف و راهکارهای به کار گرفته شده در آن جریان به افشاگری هوشمندانه اقدام کرده است روشی که لازم است جامعه ایمانی نیز با بهره‌گیری از آن به مقابله با جریان‌های انحراف‌کننده مانند ترویج‌گران شتابگرایی به کار گیرد.

۲. تقابل سخت

ممکن است جریان‌های ترویج‌کننده شتاب‌خواهی اجتماعی در مواقعی بتوانند به افکار ضعیف اجتماع ایمانی رسوخ کرده و منجر به آسیب‌های معرفتی و در مواقعی نیز اقدام به حرکت‌های تخریب‌گرانه اجتماعی شوند. در این حالت به منظور جلوگیری از آسیب‌های بیشتر لازم است حکومت دست به تقابل سخت بزند. این نوع از تقابل در احکام قضایی اسلام نمود یافته است.

ب) راهکارهای درمان استعجال جاهلانه

۱. تحول در شخصیت

کسب صفات رشدیافته می‌تواند روند شتاب‌خواهی مبتنی بر ضعف ایمان را در جامعه درمان کند. از آن‌جا که به نظر می‌رسد آن‌چه از استعجال جنبه چالش به خود می‌گیرد زمانی است که روند اجتماعی پیدا کرده باشد داشتن برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی درازمدت برای تحول ماندگار در صفات شخصیتی افراد اجتماع زمینه مناسبی را برای مدیریت افکار عمومی به سمت شناخت درست از جریان مهدویت فراهم می‌آورد. چنین فرهنگی دربرگیرنده صفاتی مانند صبر و شکیبایی، استعانت از خدا، داشتن ارتباط قلبی با امام عصر علیه السلام و ایمان به وعده‌های الهی خواهد بود که از آیات مرتبط با موضوع استعجال به دست می‌آید. در ادامه تبیین هر کدام به اختصار خواهد آمد:

صبر و استقامت

یکی از مؤثرترین راهکارهای پیشگیری و درمان استعجال، صبر و استقامت است. صبر، حبس و خودداری نفس است بر آن چه که عقل و شرع آن را اقتضاء می‌کند. (راغب اصفهانی، بی تا: ۴۷۴) و علمای علم اخلاق آن را بر سه قسم دانسته‌اند: صبر بر طاعت، صبر بر معصیت و صبر بر مصیبت. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۴۴۱) برخی ویژگی صبر را خویشتن‌داری از شکایت به غیر خدا دانسته‌اند و در این راستا با بهره‌گیری از داده‌های قرآن شکایت به خداوند را امری پسندیده معرفی می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ج ۱۶، ۷۳۵) شکایت به غیر خدا می‌تواند زمینه فرصت‌طلبی سودجویان را فراهم آورد. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ﴾. (احقاف: ۳۵)

در این آیه ویژگی مقابل استعجال را برای پیامبر ﷺ بهره‌گیری از صبر دانسته است از آن جا که تأثیرگذاری آن را برای افراد برجسته انسانی مانند پیامبران اولوالعزم نیز ثابت دانسته، مشخص می‌شود تقویت این ویژگی می‌تواند ضامن عبور جامعه از انحراف شتابگرایی باشد. علامه در تفسیر آیه آورده:

تو در برابر انکار کفار صبر کن، و از این که به معاد ایمان نمی‌آورند حوصله به خرج ده، همان طور که رسولان اولوالعزم چنین کردند و در طلب عذاب برای آنان عجله مکن که به زودی آن روز را با عذاب‌هایی که دارد دیدار خواهند کرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۸، ۲۱۸)

در این مقام، صبر می‌تواند ناظر به صبر در برابر مصیبت دور افتادن جامعه بشری از بهره‌گیری مستقیم از امام معصوم باشد گرچه می‌توان صبر را در حوزه طاعت نیز تصور کرد که البته هر کدام ناظر به ابعاد متفاوت شخصیت افراد جامعه خواهد بود.

قرآن کریم در آیه دیگر نیز بهره‌گیری از صبر را برای تسهیل روند هدایتی جامعه برای حضرت مورد تأکید قرار می‌دهد و او را از این که در این باره دچار تساهل گردد منع می‌کند تساهلی که حضرت یونس علیه السلام به آن گرفتار شد و دچار آثار وضعی آن نیز گشت. آیه می‌فرماید: ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ﴾. (قلم: ۴۸) قرار گرفتن چنین دستوری با یادآوری روش به کار گرفته شده در گذشته نشان از جایگاه آن در مقابله مؤثر با چالش استعجال دارد.

گام بالاتر از صبر در پیشگیری و درمان استعجال، استقامت و پایداری است. استقامت به

معنای اعتدال و استواء می باشد. (ابن منظور، بی تا: ج ۱۲، ۴۹۸) یعنی حرکت در مسیر مستقیم، انحراف نداشتن و ثبات ورزیدن. در تفاوت استقامت با صبر چنان که از معانی لغوی این دو به دست می آید، می توان گفت: صبر؛ بردباری و شکیبایی همراه با خودداری است که در واقع نوعی توقف است، ولی استقامت؛ پایداری و استواری همراه با حرکت است. استقامت را می توان نقطه مقابل استعجال به شمار آورد چراکه استعجال به نوعی حرکت منفی است ولی استقامت، حرکت مثبت و سازنده است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (فصلت: ۳۰) در تفاسیر روایی ذیل آیه شریفه روایاتی ذکر شده که معنای آن را روشن می سازد:

فقال «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» قال علي ولاية أمير المؤمنين عليه السلام. (قی، ۱۳۶۷: ج ۲، ۲۶۵؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۴، ۱۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۵۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۷۸۷؛ قی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۱، ۴۴۶) عن محمد بن مسلم، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا، فقال أبو عبد الله عليه السلام: «استقاموا على الأئمة واحدا بعد واحد». (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۴، ۱۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۵۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۷۸۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۵۴۶) روی محمد بن الفضیل قال سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام عن الاستقامة فقال هي والله ما أنتم عليه. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ۱۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۵۹؛ قی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۱، ۴۴۶).

این روایات استقامت را به استقامت بر ولایت ائمه عليهم السلام تفسیر نموده اند. و کسانی که بر ولایت شان استقامت ورزند هیچ اندوه و ترسی ندارند. و قرآن با بیانی دیگر می فرماید: ﴿وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ (جن: ۱۶) روایات موجود در ذیل آیه، هم چون روایات ذیل آیه قبل است:

عن أبي جعفر عليه السلام قال: «يعني لو استقاموا على ولاية علي بن أبي طالب أمير المؤمنين و الأوصياء من ولده عليه السلام، و قبلوا طاعتهم في أمرهم و نهيمهم لأسقيناهم ماءً غَدَقًا». (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۴، ۶۰۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۵۰۸-۵۰۹)

مجموعه این روایات نشان می دهد در فرایند ولایت پذیری، متغیر استقامت می تواند مسیر تکامل این فرایند را از چالش های احتمالی پاکسازی نماید.
استعانت از خدا

در آیه ذیل، حضرت موسی علیه السلام قوم خود را برای شکل‌گیری بدون چالش وعده‌ای که در روایات اسلامی به مباحث ظهور تطبیق داده شده، به کمک خواهی از خداوند سفارش کرده است:

﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾. (اعراف: ۱۲۸)

از آیه به دست می‌آید استعانت از خدا در کنار صبر، مقدمه تحقق وعده مذکور است. بدون شک آن چه حضرت به دنبال آن است تحقق بدون چالش وعده است بنابراین استعانت از خداوند به عنوان ابزار مؤثری در پیشگیری از هر نوع چالش انسانی در بروز و ظهور این وعده در نظر گرفته شده است. در تفسیر جمله ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ امام علی علیه السلام می‌فرماید:

أنا وأهل بيتي الذين أوتينا الله الأرض ونحن المتقون والأرض كلها لنا... حتى يظهر القائم من أهل بيتي بالسيف. (شريف لاهيجي، ۱۳۷۳: ج ۲، ۷۹؛ فيض كاشاني، ۱۴۱۵: ج ۲، ۲۲۸؛ بحراني، ۱۴۱۶: ج ۲، ۵۶۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۵۶؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۵، ۱۵۵)

داشتن ارتباط قلبی با امام عصر علیه السلام

یکی از راهکارهای پیشگیرانه و در مواردی درمان محور استعجال در ظهور، داشتن ارتباط قلبی با امام عصر علیه السلام می‌باشد. قرآن کریم در آیه ذیل به تبیین کارکرد رابطه در جامعه ایمانی می‌پردازد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۲۰۰) در آیه نوع امر به صبر و ربط با دیگر موارد متفاوت است امر در باب مفاعله که دلالت بر دو طرف دارد بیان‌گر آن است که خداوند جامعه ایمانی را به مسیری هدایت می‌کند که صبر و ربط را در کنار هم داشته باشند یعنی با هم و متقابل هم به ویژگی صبر مجهز گردید و با هم به ویژگی ربط مجهز گردید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ۹۲) این نکته به معنای کمک جمعی نسبت به مقوله صبر اجتماعی و مرابطه جمعی است.

در آیه واژه «رابطوا» محور استدلال است. صاحب تفسیر المیزان می‌گوید:

امرهایی که در این آیه آمده یعنی امر «اصبروا» و «صابروا» و «رابطوا» و «اتقوا» همه مطلق و بدون قید است. و مرابطه از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره عبارت بود از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شدائد و مرابطه عبارت است از وصل

کردن نیروها، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شدائد، بلکه همه نیروها و کارها، در جمیع شئون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال رخا و خوشی. و چون مراد از مرابطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد، به همین جهت دنبال سه جمله: «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِعُوا» فرمود: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ۹۱-۹۲)

بنابراین طبق این تفسیر باید عموم مؤمنین چه در خوشی و چه در سختی با یکدیگر ارتباط و پیوند داشته باشند و این ارتباط باید همراه با رعایت تقوا باشد. برخی از مفسران ذیل آیه شریفه با نقل روایاتی به مصداقی خاص از مصداق ارتباط اشاره کرده‌اند:

عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام قال: «اصبروا على أداء الفرائض، وصابروا عدوكم، و رابطوا إمامكم المنتظر». (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۷۳۰؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ج ۱، ۵۲۰؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ج ۱، ۵۵۸؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ج ۷، ۲۱۷)

عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «اصبروا على الفرائض وصابروا على المصائب و رابطوا على الأئمة». (قی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۲۹؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۱، ۴۲۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۴۱۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۷۳۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۴۲۶؛ قی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۳، ۲۹۹؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ج ۱، ۵۵۸؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ج ۷، ۲۱۷)

این روایات واژه «رابطوا» را به ارتباط با ائمه عليهم السلام و امام منتظر عليه السلام تطبیق می‌کند. تشریف بی‌واسطه و مستقیم به محضر نورانی امام زمان عليه السلام لیاقت و شایستگی‌های ویژه می‌خواهد و ارتباط ظاهری با امام زمان عليه السلام برای همگان ممکن نیست، آن‌چه برای همگان ضروری و ممکن است، ارتباط روحی و معنوی و رابطه عاطفی و قلبی و پیوند دینی با آن حضرت است. از آن‌جا که ممکن است در مواردی منشأ استعجال افکار ناامیدانه باشد تقویت جمعی چنین روحیه‌ای می‌تواند جامعه را از بحران چالش هدایت‌شده شتاب‌خواهی عبور دهد.

۲. تقویت باور به وعده‌های الهی درباره ظهور

از دیگر راه‌یافت‌های پیشگیرانه و درمان استعجال در ظهور، باور به وعده‌های الهی درباره مسئله ظهور است که در ساختارهای بیانی متنوعی در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است. وجود آیات متنوعی که به نوعی به موضوع مرتبط با جریان عدالت‌گستری در فرایند تحولات آخرالزمانی که توسط روایات مصداقی‌یابی شده است را می‌توان در راستای تقویت باور به

وعده‌های الهی در این باره ارزیابی کرد.

در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود: «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) این آیه دربرگیرنده نکات دقیقی از وضعیت جامعه انسانی در آینده است که با نوعی تأکید همراه شده است تا باورپذیری آن را برای جامعه ایمانی بیشتر کند. تأکید بر تحقق این وعده در آینده برای باورپذیری آن می‌تواند جامعه منتظر را از چالش‌های توطئه‌محور در امان نگه دارد و شتاب‌خواهی را که در مواردی همراه با دور شدن از رفتارهای آینده‌نگرانه زمینه بروز پیدا می‌کند از جامعه دور سازد. صاحب تفسیر نمونه در تفسیر واژه «مستضعف» می‌گوید:

«مستضعف» کسی نیست که ضعیف و ناتوان و فاقد قدرت و نیرو باشد، مستضعف کسی است که نیروهای بالفعل و بالقوه دارد، اما از ناحیه ظالمان و جباران سخت در فشار قرار گرفته، ولی با این حال در برابر بند و زنجیر که بر دست و پای او نهاده‌اند ساکت و تسلیم نیست، پیوسته تلاش می‌کند، تا زنجیرها را بشکند و آزاد شود، دست جباران و ستمگران را کوتاه سازد و آئین حق و عدالت را برپا کند. خداوند به چنین گروهی وعده یاری و حکومت در زمین داده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ۱۹)

مفسران با نقل روایاتی ذیل آیه شریفه، بشارت به حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را از آن استنباط نموده‌اند:

«عن علی علیه السلام قال: هم آل محمد یبعث الله مهديهم بعد جهدهم فيعزهم ويذل عدوهم». (شريف لاهيجي، ۱۳۷۳: ج ۳، ۴۵۴؛ فيض كاشاني، ۱۴۱۵: ج ۴، ۸۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۱۱۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۰، ۳۲)

و در روایتی دیگر آمده است:

عن المفضل بن عمر، قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول: «إن رسول الله صلی الله علیه و آله نظر إلى علي و الحسن والحسين علیهم السلام فبكى، وقال: أنتم المستضعفون بعدى». قال المفضل: فقلت له: ما معنى ذلك، يا ابن رسول الله؟ قال: «معناه أنتم الأئمة بعدى... فهذه الآية فينا جارية إلى يوم القيامة». (فيض كاشاني، ۱۴۱۵: ج ۴، ۸۰-۸۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۲۴۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۱۱۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۰، ۳۳)

و در روایت دیگر:

وفي الإكمال والغيبة إن القائم علیه السلام لما تولد نطق بهذه الآية. (فيض كاشاني، ۱۴۱۵: ج ۴،

قرآن کریم در آیه دیگر نیز این گونه بشارت به ظهور داده:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾. (انبیاء: ۱۰۵)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می فرماید:

«هم أصحاب المهدي علیه السلام في آخر الزمان». (قی، ۱۳۶۷: ج ۲، ۷۷: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۱۰۶: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۱۳، ۲۸۸: کاشانی، ۱۳۳۶: ج ۶، ۱۱۵: شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۳، ۱۵۵: فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۳۵۷: بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۸۴۸: عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۴۶۴: قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۸، ۴۸۱)

صاحب مجمع البیان می گوید:

ويدل على ذلك ما رواه الخاص والعام عن النبي صلی الله علیه و آله أنه قال: لولم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث رجلا صالحا من أهل بيتي يملأ الأرض عدلا وقسطا كما قد ملئت ظلما وجورا. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۱۰۶)

اکثر مفسران شیعه روایت فوق و روایات مشابهی را در تفسیر آیه شریفه نقل نمودند و تحقق این وعده الهی را توسط حضرت مهدی علیه السلام و یارانش در آخرالزمان دانسته اند. (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵۸-۲۶۰)

برخی از مفسران اهل سنت نیز ذیل این آیه شریفه، میراث داری بندگان صالح را به محمد صلی الله علیه و آله و آل او نسبت داده اند. (میبدی، ۱۳۷۱: ج ۶، ۳۱۸: اطفیش، ۱۴۰۷: ج ۸، ۳۷۷-۳۷۸؛ حوی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۳۵۰۹-۳۵۱۰)

بنابراین به شهادت مفسران فریقین و روایات تفسیری وارده، این آیه شریفه دربرگیرنده بشارت حکومت جهانی صالحان به امامت حضرت مهدی علیه السلام است. این گستره روایات و تعدد آیات زمینه مناسبی را برای تقویت باور جامعه به شکل گیری آن چه مورد انتظار است فراهم می آورد و روند چالش سازی را در این باره از دشمنان می گیرد.

نتیجه گیری

از مجموعه آیات با موضوع شتاب خواهی به دست می آید این موضوع در موارد زیادی نوعی چالش اجتماعی به شمار می آید. استعجال مفهومی تشکیکی است که طیف های ضعیف و

شدیدی را در برمی گیرد.

با توجه به مفهوم شناسی این واژه - استعجال - مشخص شد این مفهوم در واقع می تواند برنامه ای باشد که از سوی جریان های مخالف ظهور برنامه ریزی می شود.

بررسی استعجال در قرآن نشان می دهد شکل گیری این چالش دارای زمینه های متناسب با چالش است که شناخت آنها می تواند از گسترش چنین چالشی جلوگیری کند.

با بررسی آیات مشخص گردید استعجال دو زمینه متفاوت دارد که درمان یا پیشگیری آن را نیز با دو روش متفاوت ممکن می سازد.

یک زمینه که نوع برنامه ریزی شده استعجال را هدف قرار می دهد همراه با بی ایمانی و استهزاء محور است و زمینه دیگر دربرگیرنده ضعف ایمان و بی اطلاعی از فرایندمداری حوادث هستی از جمله حوادث جامعه انسانی است.

قرآن کریم ضمن معرفی زمینه های استعجال برای هر کدام راهکار تأثیرگذاری را در موقعیت های مختلف مورد تأکید قرار داده است.

منابع

- ابن بابويه، محمد بن علی، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹.
- ابن حماد، نعیم بن، *الفتن*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *الملاحم و الفتن فی ظهور الغایب المنتظر علیه السلام*، قم، الشریف الرضی، ۱۳۹۸ق.
- ابن عربی، ابو عبدالله محیی‌الدین محمد، *تفسیر ابن عربی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان‌العرب*، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- اطفیش، محمد بن یوسف، *تیسیر التفسیر*، عمان، وزارة التراث القومي والثقافی، ۱۴۰۷ق.
- امامی کاشانی، محمد، *خط امان در ولایت صاحب‌الزمان علیه السلام*، قم، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
- بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم، *تفسیر جامع*، تهران، انتشارات صدر، ۱۳۶۶.
- ثقفی تهرانی، محمد، *تفسیر روان جاوید*، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۹۸ق.
- جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱.
- حجازی، محمد محمود، *التفسیر الواضح*، بیروت، دار الجیل الجدید، ۱۴۱۳.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، میقات، ۱۳۶۳.
- حوی، سعید، *الاساس فی التفسیر*، قاهره، دارالسلام، ۱۴۰۹ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، دارالقلم، بی تا.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، نشر داد، ۱۳۷۳.
- صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طباطبایی، محسن؛ عبدی چاری، مرتضی؛ فقیهی مقدس، نفیسه، *معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، *معجم البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی التفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

- طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نورالثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- علیزاده، عبدالرحمان، «آثار و نتایج شتابزدگی در مسؤلیت‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن و روایات»، *مجله بصیرت و تربیت اسلامی*، شماره ۳۴، ۱۳۹۴.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، تهران، انتشارات علمیه، ۱۳۸۰ق.
- فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فیض کاشانی، ملامحسن، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.
- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
- قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
- قمی مشهدی، محمد، *تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب*، تهران، انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۶۸.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷.
- کاشانی، ملافتح الله، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی علمی، ۱۳۳۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مدرسی، سید محمد تقی، *تفسیر همدانیت*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- مراغی، احمد بن مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- مصطفوی، حسن، *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰.
- _____، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- _____، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۵.
- موسوی اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم فی فوائد دعاء للقائم علیه السلام*، قم، مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، ۱۴۲۸ق.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- میبدی، رشیدالدین، *کشف الاسرار و عده الابرار*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- نجفی خمینی، محمد جواد، *تفسیر آسان*، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۸ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.